

تبیین ساختار اقتصادی صادرات غیرنفتی کشور

نادر مهرگان

ترکیب کالاهای غیرنفتی به تفکیک
سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی

- صدور کالاهای سرمایه‌ای

یکی از ویژگیهای بارز صادرات کالاهای غیرنفتی کشور، پایین بودن میزان صادرات کالاهای سرمایه‌ای و سهم بالای کالاهای مصرفی صادراتی است. به طوری که صادرات کالاهای سرمایه‌ای از ۳۴۸۸ میلیون ریال در سال ۱۳۵۰، به رقم ۳۶۱ میلیون ریال در سال ۱۳۶۹ (به قیمت جاری) کاهش پیدا کرد که اگر ارزش صادرات مذکور با شاخص قیمت کالاهای صادراتی تعدیل می‌شد در آن صورت این اختلاف بسیار بیشتر هم خواهد شد. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که در سالهای بعد از انقلاب اسلامی ترکیب کالاهای صادراتی کشور به زیان صدور کالاهای سرمایه‌ای تمام شده است به طوری که در سال ۱۳۶۰ صادرات کالاهای مذکور به حداقل ارزش خود (یعنی ۶۶ میلیون ریال) رسید که تحریم اقتصادی ایران توسط بلوک غرب را می‌توان یکی از دلایل عمده بروز چنین مسئله‌ای دانست. در سالهای اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور نیز صادرات کالاهای سرمایه‌ای

در سالهای قبل از انقلاب اسلامی صادرات کالاهای غیرنفتی به دلیل فشار تقاضای ناشی از تزریق درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت به جامعه، مهاجرت بی‌رویه روستائیان به شهر، بسال بودن کاذب ارزش پول داخلی، رشد جمعیت و همچنین خروج عوامل تولید نظیر نیروی کار جوان و سرمایه از مناطق روستایی به مناطق شهری به شدت کاهش یافت. در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاشهای بسیاری در جهت افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی صورت گرفت که هر یک از تلاشها و سیاستها به دلایل مختلف به موفقیت کامل نرسید به طوری که کماکان سهم صادرات کالاهای غیرنفتی در کل صادرات ایران بسیار ناچیز است. در شرایط کنونی بسیاری از مشکلات و موانع صادرات کالاهای غیرنفتی نظیر تحریم اقتصادی، جنگ و غیره از بین رفته، ولی هنوز موفقیت چندانی در زمینه صادرات کالاهای غیرنفتی به دست نیامده است. ادعا این است که یکی از دلایل عدم موفقیت کامل در زمینه صدور کالاهای غیرنفتی وجود ساختار اقتصادی نادرست در صادرات کالاهای مذکور است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دولت (۱) خروج سرمایه و تحریم اقتصادی (۲) بوده است.

در سال نخست (۱۳۶۸) کاهش داشته و سپس با رشد ناچیزی در سال ۱۳۶۹ به ۳۶۱ میلیون ریال رسید. البته ذکر این نکته لازم است که کاهش صادرات کالاهای سرمایه‌ای بدین جهت نبوده که این کالاها به منظور تولید کالاهای مصرفی و واسطه‌ای در داخل کشور استفاده شده باشد بلکه کاهش صادرات کالاهای سرمایه‌ای عمدتاً به دلیل کاهش تولید کالاهای سرمایه‌ای داخلی، به جهت بروز جنگ و از بین رفتن صنایع و تأسیسات، کاهش سرمایه‌گذاری

ترکیب صادرات کالاهای غیرنفتی کشور به تکنیک کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی، به مرور در جهت افزایش میزان و سهم کالاهای مصرفی و کاهش سهم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، در حال شکل‌گیری است

جدول (۱): صادرات و واردات کالاهای سرمایه‌ای و خالص صادرات کالاهای سرمایه‌ای به قیمت جاری

(میلیون ریال)

شرح	۱۳۵۰	۱۳۵۵	۱۳۶۰	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹
صادرات	۳۴۸۸	۳۷۱۲	۶۶	۱۳۷	۲۱۳	۴۱۹	۲۶۶	۳۶۱
واردات	۳۶۹۴۲	۲۶۷۵۳۵	۱۷۲۰۳۷	۱۶۹۳۷۴	۱۵۵۳۳۹	۱۲۹۸۴۶	۲۱۱۰۶۶	۲۹۴۰۰۸
خالص صادرات	-۳۳۴۵۴	-۲۶۳۸۲۳	-۱۷۱۹۷۱	-۱۶۹۲۳۷	-۱۵۵۱۲۶	-۱۲۹۴۲۷	-۲۱۰۸۰۰	-۲۹۳۶۴۷

مأخذ: مرکز آمار ایران - سالنامه آماری ۱۳۷۰ تهران: مرکز آمار ایران، (۱۳۷۱) صص ۲۴۹ و ۲۵۷

و به تبع، صادرات آن نیز به دلیل کاهش تولید تنزل می‌کند.

صدور کالاهای واسطه‌ای

صادرات کالاهای واسطه‌ای کشور در سالهای قبل از انقلاب اسلامی بیشترین سهم را در کل صادرات غیرنفتی کشور داشته است به طوری که سهم آن در کل صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۵۰ و سال ۱۳۵۵ حدود ۵۲ درصد بوده

همان طور که در جدول (۱) نمایان است صادرات کالاهای سرمایه‌ای بعد از انقلاب اسلامی در مقایسه با قبل از انقلاب به شدت کاهش یافته است. و هم‌زمان واردات کالاهای سرمایه‌ای - که یکی از عوامل مؤثر در تشکیل سرمایه کشور محسوب می‌شود - نیز با نوساناتی در حال کاهش است، بدین جهت کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای موجب کاهش تولید کالاهای سرمایه‌ای داخلی شده (۳)

است. ولی در سالهای پس از انقلاب اسلامی سهم کالاهای واسطه‌ای به شدت کاهش یافت به طوری که در سال ۱۳۶۰ به ۳۳ درصد و در سال ۱۳۶۵ به ۲۶ درصد و در نهایت در سال ۱۳۶۹ به ۲۳ درصد کاهش یافت. ارزش صادرات کالاهای واسطه‌ای نیز از ۲۰ میلیارد ریال به قیمت جاری در سال ۱۳۵۵ به مبلغ ۹ میلیارد ریال به قیمت جاری در سال ۱۳۶۰ کاهش یافت و در سال ۱۳۶۹ به ۲۰ میلیارد ریال به قیمت جاری رسید. که در صورت تعدیل ارزش صادرات با شاخص قیمت

جدول (۲): صادرات، واردات و خالص صادرات کالاهای واسطه‌ای به قیمت جاری

واحد: (میلیون ریال)

شرح	۱۳۵۰	۱۳۵۵	۱۳۶۰	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹
صادرات	۱۳۶۰۲	۱۹۶۸۵	۸۸۴۱	۱۸۴۰۶	۲۲۷۱۶	۲۶۸۴۱	۲۲۰۱۸	۲۰۳۹۱
واردات	۱۰۲۲۲۶	۴۷۹۴۱۷	۶۵۸۴۲۸	۴۲۰۷۱۹	۳۸۶۶۴۱	۳۳۵۳۷۲	۵۴۶۵۱۶	۷۹۸۸۶۳
خالص صادرات	-۸۸۶۲۴	-۴۵۹۷۳۲	-۶۴۹۵۸۷	-۴۰۲۳۱۳	-۳۶۳۹۲۵	۳۰۸۵۳۱	-۵۲۴۴۹۸	-۷۷۸۴۷۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۷۰، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱، ص ۴۴۹، ۴۵۷

کالاهای واسطه‌ای در سالهای اجرای برنامه اول توسعه نیز در حال افزایش بوده به طوری که ارزش کالاهای مذکور از ۳۳۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ (قبل از شروع برنامه) به مبلغ ۵۴۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ و در سال ۱۳۶۹ به مقدار ۷۹۹ میلیارد ریال افزایش یافت. سهم ارزش واردات کالاهای واسطه‌ای به کل واردات در سالهای بعد از انقلاب اسلامی به طور متوسط حدود ۶۰ درصد بوده است که بالا بودن سهم واردات کالاهای واسطه‌ای در کل واردات،

براساس ارقامی که در جدول (۲) انعکاس یافته، علاوه بر کاهش صادرات کالاهای واسطه‌ای، روند واردات این کالا در سالهای بعد از انقلاب اسلامی عمدتاً در حال افزایش بوده است به طوری که ارزش واردات کالاهای واسطه‌ای در سال ۱۳۵۰ حدود ۱۰۲ میلیارد ریال و در سال ۱۳۵۵ حدود ۴۷۹ میلیارد ریال بود که این رقم در سال ۱۳۶۰ به مبلغ ۶۵۸ میلیارد ریال رسید و در سال ۱۳۶۹ نیز به حدود ۷۹۹ میلیارد ریال افزایش یافت. واردات

به دلیل مونتاژ بودن قسمت عمده صنایع کشور می‌باشد. با توجه به وضعیت صادرات و واردات کالاهای واسطه‌ای در کشور، مشاهده می‌شود که ترکیب صادرات کالاهای غیرنفتی به زیان صدور کالاهای واسطه‌ای در حال تغییر است.

به مرور، سهم صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی در کل صادرات غیرنفتی در حال افزایش است و سهم صادرات کالاهای صنعتی و کلوخه‌های کانی فلزی در حال کاهش بوده است.

افزایش بوده است به طوری که صادرات آن در سالهای مورد بررسی از حداقل ۱۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰ به حداکثر ۶۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۹ افزایش یافت و همین روند در برنامه اول توسعه اقتصادی کشور نیز دنبال شد. افزایش صادرات کالاهای مصرفی کشور به حدی بود که سهم آن در کل صادرات غیرنفتی کشور از ۳۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به مقدار ۷۶ درصد در سال ۱۳۶۹ ترقی کرد. این در حالی است که سهم واردات کالاهای مصرفی در کل واردات کشور از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار نبوده ولی کماکان خالص صادرات کالاهای مصرفی (صادرات منهای واردات) منفی بوده است.

صدور کالاهای مصرفی

صادرات کالاهای مصرفی برخلاف کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به مرور زمان در حال

جدول (۳): صادرات، واردات و خالص صادرات کالاهای مصرفی به قیمت جاری

شرح	۱۳۵۰	۱۳۵۵	۱۳۶۰	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹
صادرات	۱۲۳۲۰	۱۴۶۰۴	۱۸۱۲۲	۵۱۵۷۴	۵۸۱۷۸	۴۴۲۱۴	۵۲۴۵۲	۶۶۴۹۳
واردات	۱۸۴۹۰	۱۵۴۸۰۹	۲۵۱۴۸۶	۱۳۰۵۹۸	۱۱۶۸۷۵	۱۰۲۷۰۴	۱۶۹۶۷۴	۱۶۸۷۸۱
خالص صادرات	-۶۱۷۰	-۱۴۰۲۰۵	-۲۳۳۳۶۴	-۷۹۰۲۴	-۵۸۶۹۷	-۵۸۴۹۰	-۱۱۷۲۲۲	-۱۰۲۲۸۸

منبع: مرکز آمار ایران - سالنامه آماری ۱۳۷۰، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۴۴۹، ۴۵۷

ترکیب صادرات همان طور که در جدول (۳) انعکاس یافته

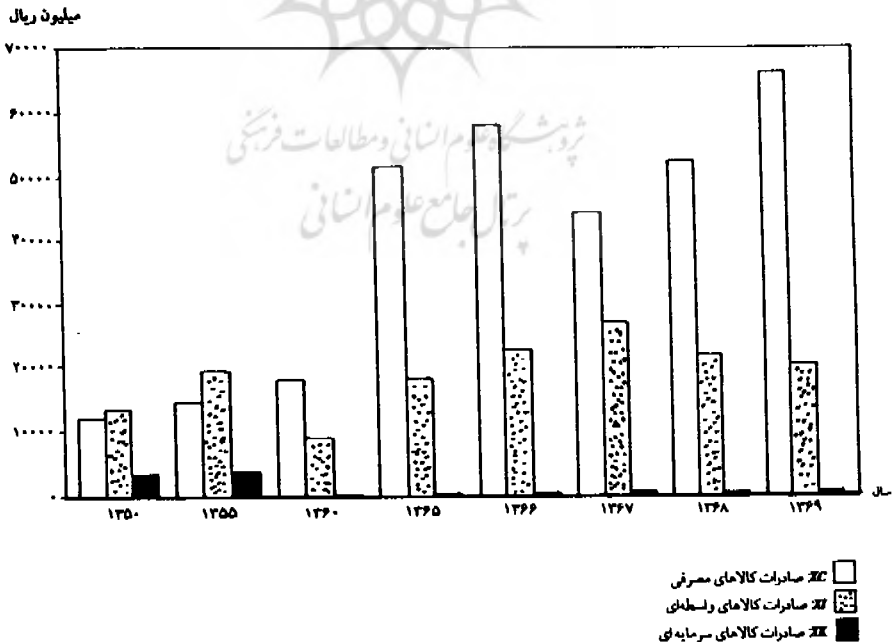
است، طی سالهای نخست برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، صادرات کالاهای مصرفی رشد چشمگیری داشته ولی رشد واردات کالاهای مذکور به مراتب بیشتر از رشد صادرات بوده است به طوری که خالص صادرات کالاهای مصرفی به شدت کاهش یافت.

ترکیب صادرات کالاهای غیرنفتی کشور به تفکیک کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی، به مرور در جهت افزایش میزان و سهم کالاهای مصرفی و کاهش سهم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، در حال شکل‌گیری است که در این میان کاهش صادرات کالاهای

سرمایه‌ای شدیدتر از کاهش صادرات کالاهای واسطه‌ای است. با توجه به تغییرات مذکور در لحظه اول ممکن است این‌گونه تصور شود که تنزل سهم صادرات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و افزایش سهم صادرات کالاهای مصرفی در کل صادرات غیرنفتی، مربوط به تبدیل کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به کالاهای مصرفی است که در این صورت ارزش افزوده مربوط به برخی از فعالیتهایی که کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای را به کالاهای مصرفی تبدیل می‌کنند، افزایش می‌یابد. در حالی که با نگاهی به آمار و ارقام مربوط به صدور کالاهای غیرنفتی، بخشهای مختلف اقتصادی و نوع کالاهایی که صادر شده مشخص می‌شود که تغییر ساختار صادراتی کشور، به دلیل تبدیل کالاهای واسطه‌ای به مصرفی و سپس صدور آن

نبوده است. بلکه این تغییر ساختار مربوط به افزایش سهم صادرات بخش کشاورزی نسبت به صنعت می‌باشد. (از بخش کشاورزی غالباً کالاهای مصرفی نظیر فرش، پسته، خاویار، کشمش، زیره و غیره صادر می‌شود و از بخش صنعت و معدن عمدتاً کالاهای واسطه‌ای نظیر کلوخه‌های کانی فلزی، شمش مس، مصالح ساختمانی، مواد شیمیایی و غیره صادر می‌شود). یکی از دلایل افزایش سهم و رشد سریع صادرات کالاهای مصرفی، تاثیر چندگانه بودن - نرخ ارز می‌باشد به طوری که کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با ارز ۸۰۰ ریالی وارد و با اندکی دستکاری به عنوان کالای مصرفی تولید شده در داخل با ارز ۱۴۰۰ یا ۱۲۰۰ ریالی صادر می‌شود.

نمودار (۱): نمودار صادرات کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای در برخی از سالها



در کل صادرات غیرنفتی که در سال ۱۳۵۰ به ترتیب حدود ۴۴ و ۴۵ و ۱۱ درصد بوده در سال ۱۳۶۰ به ترتیب حدود ۶۷ و ۳۳ و ۰/۲ درصد و در سال ۱۳۶۹ سهم آن به ترتیب حدود ۲۳،۷۶ و ۰/۴ درصد تغییر کرد. (به جدول (۴) توجه کنید)

ترکیب مذکور هرچند در سالهای قبل از انقلاب در جهت صدور کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده، ولی در سالهای بعد از انقلاب، این جهت معکوس شده و در برنامه اول توسعه اقتصادی نیز پیگیری شد به طوری که سهم کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای

جدول (۴): نسبت صادرات کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای به کل صادرات غیرنفتی

سال	نسبت صادرات کالاهای مصرفی به کل صادرات غیرنفتی	نسبت صادرات کالاهای واسطه‌ای به کل صادرات غیرنفتی	نسبت صادرات کالاهای سرمایه‌ای به کل صادرات غیرنفتی
۱۳۵۰	۰/۴۴	۰/۴۵	۰/۱۱
۱۳۵۵	۰/۳۸۴۳۰۶	۰/۵۱۸۰۱۳	۰/۰۹۷۶۸۲
۱۳۶۰	۰/۶۷۰۴۶۵	۰/۳۲۷۰۹۳	۰/۰۰۲۴۴۲
۱۳۶۵	۰/۷۳۵۵۴۲	۰/۲۶۲۵۰۴	۰/۰۰۱۹۵۴
۱۳۶۶	۰/۷۱۷۲۹۹	۰/۲۸۰۰۷۴	۰/۰۰۲۶۲۶
۱۳۶۷	۰/۶۱۸۶۰۳	۰/۳۷۵۵۳۵	۰/۰۰۵۸۶۲
۱۳۶۸	۰/۷۰۱۸۳۰	۰/۲۹۴۶۱۰	۰/۰۰۳۵۵۹
۱۳۶۹	۰/۷۶۲۱۴۱	۰/۲۳۳۷۲۱	۰/۰۰۴۱۳۸

مأخذ: برگرفته از سالنامه آماری ۱۳۷۰، تهران: مرکز آمار ایران ۱۳۷۱.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که ترکیب کالاهای صادراتی تا حدودی متفاوت از نحوه شکل‌گیری ترکیب کالاهای وارداتی است که این امر بیانگر این واقعیت است که کشور ما کالاهایی را به کشورهای دیگر صادر می‌کند که بسیاری از کشورهای صنعتی موفق در صادرات، در صدور آن کالاها انگیزه چندانی ندارند و در مقابل کشور ما بازار صادراتی کالاهایی را از دست می‌دهد که سایر کشورها در تلاش هستند آن بازارها را به دست بگیرند به طوری که کشور ما نیز واردکننده آن کالاهاست.

اقلام عمده کالاهای غیرنفتی صادراتی
یکی از مشخصه‌های بارز صادرات کالاهای

غیرنفتی کشور، بالا بودن سهم صادرات کالاهای کشاورزی نسبت به کالاهای صنعتی و معدنی، در کل صادرات غیرنفتی کشور است. به عبارت دیگر عمده کالاهای صادراتی غیرنفتی کشور مربوط به بخش کشاورزی است که به مرور زمان سهم آن نیز در حال افزایش می‌باشد و به طور متوسط در سالهای مورد بررسی (۱۳۵۰-۶۹) بیش از ۷۵ درصد از کل صادرات غیرنفتی کشور را در گذشته شامل می‌شد.

افزایش صادرات کالاهای واسطه‌ای بخش صنعت همراه با افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای است و در نهایت توفیق چندانی در تراز تجاری کشور حاصل نمی‌شود

کالاهای صنعتی

در سالهای قبل از انقلاب اسلامی به دلیل توجه به بخش صنعت و گسترش صنایع مونتاژ و استفاده صنایع از منابع ارزی فراوان، میزان صادرات بخش صنعت در حال افزایش بوده و سهم آن در کل صادرات غیرنفتی نیز رو به فزونی بوده است به طوری که ارزش صادرات کالاهای صنعتی در سال ۱۳۵۰ بالغ بر ۵۴۶۰ میلیون ریال بوده که در سال ۱۳۵۵ ارزش آن به ۱۲۴۰۵ میلیون ریال رسید و سهم آن از ۲۱ درصد در سال ۱۳۵۰ به ۳۳ درصد در سال ۱۳۵۵ ترقی کرد. در حالی که در سالهای پس از انقلاب به دلیل فرار صاحبان صنایع و خرابی بسیاری از صنایع به دلیل جنگ و استهلاک آنها

و همچنین مشکلاتی که بیگانگان برای کشور ما فراهم کردند، نظیر تحریم اقتصادی، تولیدات صنایع و به تبع، صادرات آنها به شدت کاهش یافت به طوری که در سال ۱۳۶۰ میزان ارزش صادرات کالاهای صنعتی به ۱۰۵۱ میلیون ریال کاهش یافت و به همین جهت سهم آن در کل صادرات به ۴ درصد تنزل کرد.

پس از سال ۱۳۶۰ صادرات کالاهای صنعتی با افت و خیزهایی همراه بوده به طوری که صادرات کالاهای مذکور در سالهای برنامه، از ۱۶۰۵۷ میلیون ریال در سال ۱۳۶۷ (قبل از شروع برنامه) به مبلغ ۸۷۷۷ میلیون ریال در سال ۱۳۶۸ کاهش یافت و سپس در سال ۱۳۶۹ به همان مبلغ سال ۱۳۶۷ (یعنی ۱۶۰۵۷ میلیون ریال) رسید. ولی سهم آن از ۲۲ درصد کل ارزش صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۶۷ به حدود ۱۲ درصد در سال ۱۳۶۸ و همچنین به کمی بیش از ۱۸ درصد در سال ۱۳۶۹ تغییر کرد.

ساختار صادرات کالاهای غیرنفتی براساس یک محاسبات دقیق و درست اقتصادی تغییر نکرده و ترکیب ایجاد شده در کالاهای صادراتی، به مرور به زیان صادرات کالاهای غیرنفتی تمام خواهد شد

همان طور که از جدول (۵) نتیجه می‌شود، در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سهم صادرات کالاهای صنعتی به کل صادرات غیرنفتی به طور متوسط ۱۵ درصد بوده است.

جدول (۵): میزان صادرات کالاهای صنعتی، کشاورزی، سنتی و کلوخه های کانی فلزی و سهم آن در کل صادرات غیرنفتی به میلیون ریال

سال	کشاورزی	صنعت	کلوخه های کانی	نسبت کشاورزی به کل	نسبت صنعت به کل	نسبت کلوخه ها به کل
OBS	XAG	XIN	XPE	XAGBXN	XINBXN	XPEBXN
۱۳۵۰	۱۹۵۵۲/۰۰	۵۴۶۰/۰۰۰	۱۲۵۸/۰۰۰	۰/۷۴۴۲۷۱	۰/۲۰۷۸۴۲	۰/۰۴۷۸۸۷
۱۳۵۵	۲۴۸۴۷/۰۰	۱۲۴۰۵/۰۰	۷۴۹/۰۰۰۰	۰/۶۵۳۸۵۱	۰/۳۲۶۴۳۹	۰/۰۱۹۷۱۰
۱۳۶۰	۲۵۵۸۰/۰۰	۱۰۵۱/۰۰۰	۳۹۸/۰۰۰۰	۰/۹۴۶۳۹۱	۰/۰۳۸۸۸۴	۰/۰۱۴۷۲۵
۱۳۶۵	۵۹۷۹۳/۰۰	۸۴۱۷/۰۰۰	۱۹۰۷/۰۰۰	۰/۸۵۲۷۶۰	۰/۱۲۰۰۴۲	۰/۰۲۷۱۹۷
۱۳۶۶	۶۹۲۲۳/۰۰	۹۲۰۸/۰۰۰	۲۶۷۵/۰۰۰	۰/۸۵۳۴۸۸	۰/۱۱۳۵۲۹	۰/۰۳۲۹۸۱
۱۳۶۷	۵۳۱۵۳/۰۰	۱۶۰۵۷/۰۰	۲۲۶۴/۰۰۰	۰/۷۴۳۶۶۹	۰/۲۲۴۶۵۵	۰/۳۱۶۷۶
۱۳۶۸	۶۴۰۳۳/۰۰	۸۷۷۷/۰۰۰	۱۹۲۶/۰۰۰	۰/۸۵۶۷۸۹	۰/۱۱۷۴۴۰	۰/۰۲۵۷۷۱
۱۳۶۹	۶۹۰۴۱/۰۰	۱۶۰۵۷/۰۰	۲۱۴۷/۰۰۰	۰/۷۹۱۳۴۶	۰/۱۸۴۰۴۵	۰/۰۲۴۶۰۹

ماخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۷۰، تهران: مرکز آمار ایران ۱۳۷۱.

کالاهای سنتی و کشاورزی

سالهای اجرای برنامه اول توسعه، ارزش صادرات کالاهای مذکور از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است به طوری که ارزش صادرات کالاهای مذکور از ۵۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ (قبل از شروع برنامه) به مبلغ ۶۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ و به ۶۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۹ افزایش یافت.

سهم صادرات کالاهای مذکور که در سال ۱۳۵۰ حدود ۷۴ درصد بود، در سالهای بعد از انقلاب اسلامی به ۹۵ درصد در سال ۱۳۶۰ هم رسید. در سالهای نخست اجرای برنامه اول، سهم کالاهای مذکور در کل صادرات غیرنفتی در حد بالایی بوده به طوری که سهم آن در سال ۱۳۶۸ نزدیک به ۸۶ درصد و در سال ۱۳۶۹ به ۷۹ درصد رسیده است.

صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی مهمترین کالاهای صادراتی کشور می باشد که به طور متوسط بیش از ۷۵ درصد کل صادرات غیرنفتی کشور را شامل می شود. علاوه بر بیالا بودن سهم صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی در کل صادرات غیرنفتی، این سهم نیز به مرور زمان با نوساناتی در حال افزایش بوده است.

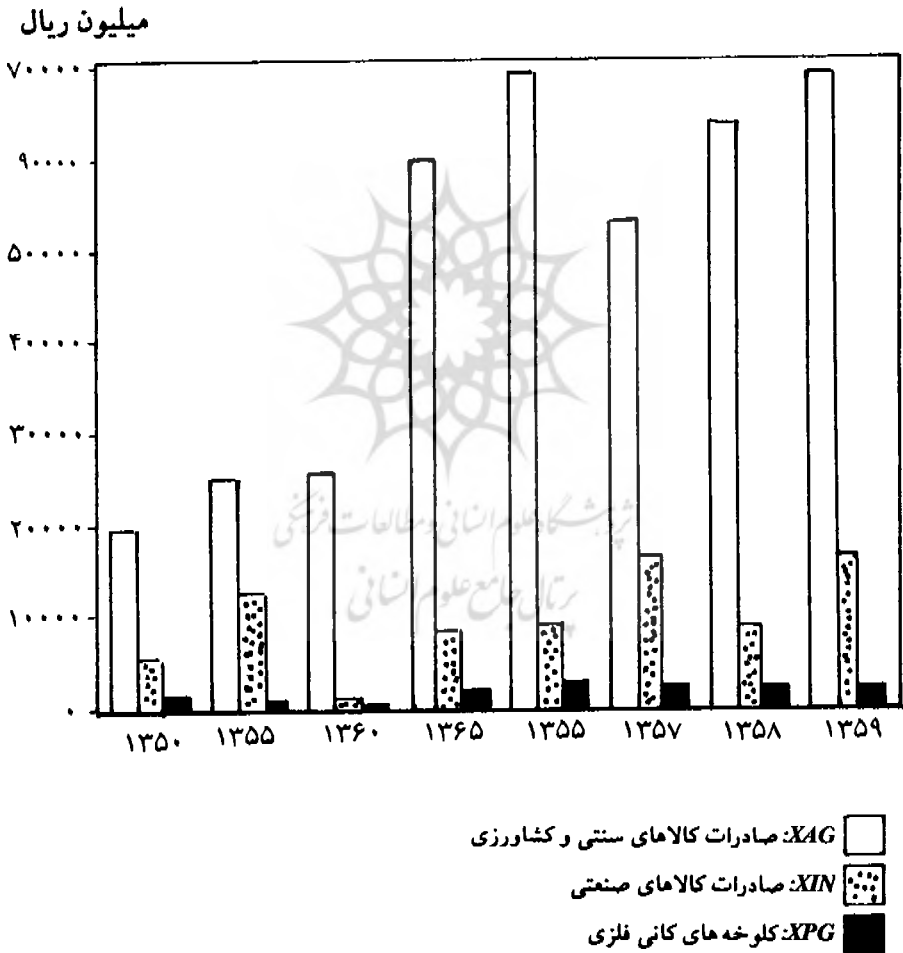
میزان صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی در سال ۱۳۵۰، ۱۹۵۵۲ میلیون ریال بوده که در سال ۱۳۵۵ به میزان ۲۴۸۴۷ میلیون ریال رسید و در سالهای بعد از انقلاب اسلامی میزان صادرات کالاهای مذکور به شدت در حال افزایش بوده است چنان که در بسیاری از سالهای بعد از انقلاب اسلامی ارزش صادرات این گروه بیش از ۵۰ میلیارد ریال بوده است. در

کلوخه‌های کانی فلزی

ارزش صادرات کلوخه‌های کانی فلزی نیز بسیار ناچیز بوده و در سالهای بعد از انقلاب اسلامی سهم آن در کل صادرات غیرنفتی هرگز از ۳/۳ درصد تجاوز نکرد. در سالهای اجرای

برنامه اول توسعه کشور، سهم صدور کالاهای مذکور در کل صادرات غیرنفتی در حال کاهش بوده به طوری که در سال ۱۳۶۹ سهم آن به ۲ درصد رسید.

نمودار (۲): نمودار ارزش صادرات کالاهای کشاورزی سنتی، کشاورزی، و کلوخه‌های کانی فلزی



مأخذ: برگرفته از جدول (۵)

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که به مرور، سهم صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی در کل صادرات غیرنفتی در حال افزایش است و سهم صادرات کالاهای صنعتی و کلوخه‌های کانی فلزی در حال کاهش بوده است و در برنامه اول تغییر محسوسی در ترکیب کالاهای صادراتی ایجاد نشده و در عمل، روند، ادامه ترکیب صادرات گذشته بوده است. در این زمینه باید به این نکته اساسی توجه داشت که یکی از ویژگیهای بارز تقاضای محصولات کشاورزی، پایین بودن کشش تقاضای آن نسبت به محصولات صنعتی و خدمات است؛ به عبارت دیگر تقاضای محصولات کشاورزی نسبت به تغییرات قیمت کمتر حساس هستند^(۴).

مهمترین اقلام عمده کالاهای صادراتی کشور شامل کالاهای کشاورزی و سنتی است که از ویژگیهای بارز این گونه کالاهای پایین بودن کشش درآمدی و قیمتی تقاضا برای آنهاست که این مسئله (پایین بودن کشش) به منزله اختار مکانیسم بازار تلقی می‌شود به طوری که به مرور زمان عوامل تولید از فعالیتهایی که کالاهای کم کشش تولید می‌کنند خارج و به فعالیتهایی که کالاهای پرکشش تولید می‌کنند منتقل می‌شود

توجه به این نکته نیز ضروری است که سهم یک کشور در بازار جهانی تأثیر منفی در کشش تقاضای آن کالا دارد و با توجه به اینکه کالاهای صادراتی کشور ما و سهم آن در اقتصاد جهانی

ناچیز است لذا انتظار می‌رود کشش تقاضای کالاهای صادراتی ایران نسبت به قیمت زیاد باشد و از آنجا که سهم صادرات کالاهای کشاورزی در کل صادرات کشور به مراتب بیشتر از صنعت می‌باشد، لذا این عامل نیز به این مسئله تأکید خواهد داشت که کشش قیمتی صادرات کالاهای کشاورزی کمتر از کالاهای صنعتی است^(۵). در این صورت سرمایه‌گذاری در صدور چنین کالاهایی (کالاهایی که کشش کمتری دارند) توفیق کمتری در زمینه کسب درآمد ارزی به وجود می‌آورد. و در چنین شرایطی بازار محصولات چنین کالاهایی قابل اتکا نبوده و به مرور ناچار به رهایی آن بازار خواهیم شد. در این صورت مشاهده می‌شود که ساختار صادرات کالاهای غیرنفتی براساس یک محاسبات دقیق و درست اقتصادی تغییر نکرده و ترکیب ایجاد شده در کالاهای صادراتی، به مرور به زیان صادرات کالاهای غیرنفتی تمام خواهد شد. متأسفانه نه تنها در برنامه اول توسعه اقتصادی کشور، در عمل ساختار صادراتی کشور، در جهت توسعه و گسترش صدور کالاهای پرکشش تغییر نکرده است بلکه آمار و ارقام نشان می‌دهد که در برنامه دوم نیز در جهت تغییر ساختار صادرات کشور اقدامی صورت نگرفته و روند گذشته ادامه داشته است. به طوری که طی سالهای برنامه دوم به طور متوسط برای صدور کالاهای کشاورزی و غیرکشاورزی رشد سالانه تقریباً یکسانی در نظر گرفته شده است. (به جدول (۶) توجه کنید)

جدول (۶): صدور کالاهای کشاورزی، فرش و صنایع دستی و صنایع و معادن در برنامه دوم توسعه
سناریوی یک: اگر هر بشکه نفت به قیمت ۱۰ دلار باشد

میلیون دلار

سال	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
صنایع و معادن	۱۱۶۰	۱۴۴۰	۱۷۴۰	۲۰۸۰	۲۳۸۰
فرش و صنایع دستی	۱۲۰۰	۱۳۰۰	۱۴۰۰	۱۵۰۰	۱۶۰۰
کشاورزی	۸۹۵	۱۰۰۴	۱۱۱۸	۱۲۴۶	۱۳۶۸

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، پیوست لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۷ - ۱۳۷۳، تهران: ۱۳۷۳، ص ۲ - ۲۷ و ۲۸ - ۱ و ۳۳

صنعت و معدن به مراتب بیشتر از سایر بخشها می باشد. نسبت صادرات کالاهای مذکور توسط بخش صنعت و معدن به کل صادرات غیرنفتی به مرور با نوساناتی تا سال ۱۳۶۷ در حال افزایش بود. به طوری که نسبت مذکور به طور متوسط حدود ۹۵ درصد بود ولی در سالهای اول و دوم برنامه توسعه به تدریج از سهم آن کاسته شد. نکته اساسی که در صدور کالای مذکور باید بدان توجه شود، کاهش سهم صادرات مواد اولیه و کالاهای واسطه توسط بخش خدمات می باشد که صادرات کالاهای مذکور توسط این بخش به مرور در حال کاهش بوده است به طوری که در سال اول برنامه، ارزش صادرات کالاهای واسطه ای بخش خدمات به ۳ میلیون ریال به قیمت جاری و در سال دوم به صفر رسید، در حالی که ارزش صادرات کالاهای واسطه ای این بخش در سال ۱۳۶۶ بالغ بر ۱۱۱ میلیون ریال بوده است. در

براساس آنچه که در لایحه برنامه دوم آمده رشد سالانه صدور کالاهای کشاورزی حدود ۱۱/۱۹ درصد (۶) و رشد صادرات کالاهای غیرنفتی براساس سناریوی یک ۱۱/۲۳ درصد (۷) در نظر گرفته شده که به نظر می رسد در برنامه دوم توسعه اقتصادی نیز اقدام جدی در جهت تغییر ساختار صادرات کشور صورت نگرفته است.

صادرات مواد اولیه و کالاهای واسطه بر حسب بخشهای اقتصادی

صادرات مواد اولیه و کالاهای واسطه بر حسب بخشهای اقتصادی نیز از ترکیب خاصی برخوردار است که توجه به آن، مشخصه دیگری از صادرات غیرنفتی کشور را آشکار می سازد. از خصوصیات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای صادراتی کشور بر حسب بخشها، این است که سهم صادرات کالاهای مذکور توسط بخش

واسطه‌ای و سرمایه‌ای توسط این بخش به مرور در حال افزایش می‌باشد (۸). ارقام مربوط در جدول (۷) انعکاس یافته است.

کنار کاهش صادرات واسطه‌ای بخش خدمات و در نهایت به صفر رسیدن ارزش صادرات این بخش، مشاهده می‌شود که واردات کالاهای

جدول (۷): صادرات کالاهای غیرنفتی واسطه‌ای، واسطه‌ای بخش ساختمان، واسطه‌ای بخش صنعت، واسطه‌ای بخش کشاورزی و خدمات

میلیون ریال

سال	صادرات غیرنفتی	صادرات کالاهای واسطه‌ای	صادرات کالاهای واسطه‌ای بخش ساختمان	صادرات کالاهای واسطه‌ای بخش صنعت	صادرات کالاهای واسطه‌ای بخش کشاورزی	صادرات کالاهای واسطه‌ای بخش خدمات
Obs	XNO	XI	XIC	XII	XIA	XIS
۱۳۵۰	۲۶۲۷۰/۰۰	۱۳۶۰۲/۰۰	۲۹۱/۰۰۰۰	۱۲۵۳۴/۰۰	۷۰۳/۰۰۰۰	۷۴/۰۰۰۰۰
۱۳۵۵	۳۸۰۰۱/۰۰	۱۹۶۸۵/۰۰	۲۵۹/۰۰۰۰	۱۹۱۵۸/۰۰	۱۹۰/۰۰۰	۷۸/۰۰۰۰۰
۱۳۶۰	۲۷۰۲۹/۰۰	۸۸۴۱/۰۰۰	۱۵۷/۰۰۰۰	۸۵۷۶/۰۰۰	۹۱/۰۰۰۰۰	۱۷/۰۰۰۰۰
۱۳۶۵	۷۰۱۱۷/۰۰	۱۸۴۰۶/۰۰	۷۶/۰۰۰۰۰	۱۷۸۲۷/۰۰	۴۳۸/۰۰۰۰	۶۵/۰۰۰۰۰
۱۳۶۶	۸۱۱۰۷/۰۰	۲۲۷۱۶/۰۰	۴۹۴/۰۰۰۰	۲۱۷۸۷/۰۰	۳۲۴/۰۰۰۰	۱۱۱/۰۰۰۰
۱۳۶۷	۷۱۴۷۴/۰۰	۲۶۸۴۱/۰۰	۷۹۲/۰۰۰۰	۲۵۶۸۲/۰۰	۳۴۲/۰۰۰۰	۲۵/۰۰۰۰۰
۱۳۶۸	۷۴۷۳۶/۰۰	۲۲۰۱۸/۰۰	۵۸۴/۰۰۰۰	۲۱۰۱۲/۰۰	۴۱۹/۰۰۰۰	۳/۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۹	۸۷۲۴۵/۰۰	۲۰۳۹۱/۰۰	۳۹۲/۰۰۰۰	۱۹۵۷۳/۰۰	۴۲۶/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ تهران: مرکز آمار ایران.

از ویژگیهای دیگر صادرات بخش خدمات (برخلاف بخش کشاورزی و صنعت و معدن) استفاده از منابع تجدید شدنی جهت تولید کالاهای واسطه‌ای است که در این صورت کشور بدون اینکه تنها از منابع طبیعی استفاده چندانی ببرد، نیازهای ارزی خود را تأمین می‌کند. در این زمینه می‌توان به ارائه خدمات توسط شرکتهای بیمه، خدمات بانکداری، حمل

در این قسمت باید به این نکته اشاره شود که کالاهای صادراتی بخش خدمات عمدتاً شامل کالاهای پیرکشش می‌باشد که در این صورت به جای رها کردن صادرات این بخش باید تلاش کرد که مقدار صادرات این بخش را افزایش داد که با افزایش صدور کالاهای این بخش، درآمد ارزی با شدت بیشتری افزایش می‌یابد.

و نقل و غیره اشاره کرد.

یکی از ویژگیهای کشورهای در حال توسعه در زمینه صادرات، محدود بودن طرفهای تجاری این کشورهاست (۱۰). علت محدود بودن طرفهای تجاری این کشورها عمدتاً به مسائل سیاسی و محدودیت در صدور تعداد قلیلی از کالاها مربوط است.

در مقابل صدور کالاهای واسطه‌ای بخش صنعت عمدتاً با واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای همراه است به طوری که افزایش صادرات کالاهای واسطه‌ای بخش صنعت همراه با افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای است و در نهایت توفیق چندانی در تراز تجاری کشور حاصل نمی‌شود.

نه تنها در برنامه اول توسعه اقتصادی کشور، در عمل ساختار صادراتی کشور، در جهت توسعه و گسترش صدور کالاهای پرکشش تغییر نکرده است بلکه آمار و ارقام نشان می‌دهد که در برنامه دوم نیز در جهت تغییر ساختار صادرات کشور اقدامی صورت نگرفته و روند گذشته ادامه داشته است

بدین ترتیب با توجه به ویژگی کالاهای بخش خدمات کشورهای پیشرفته صنعتی غرب بیشتر تلاش خود را در جهت افزایش صدور کالاهای مربوط به بخش خدمات معطوف داشتند به طوری که از دستاوردهای دوراروگوئه "گات" این است که تسهیلاتی را برای شرکتهای خدمات خارجی در نظر گرفته‌اند که براساس آن تمام شرکتهای خدمات خارجی می‌توانند به طور مساوی به بازارها دستیابی داشته باشند (۹).

با نگاهی به عمده‌ترین طرفهای تجاری ایران این واقعیت به خوبی روشن می‌شود که طرفهای تجاری ایران در زمینه صادرات کالاهای غیرنفتی به شدت محدود است. به طوری که مهمترین خریدار کالاهای غیرنفتی ایران در اروپا کشور آلمان، و در آسیا امارات متحده عربی است، که هر دو این کشورها در منطقه خود علاوه بر مصرف‌کننده کالاهای صادراتی ایران، به عنوان صادرکننده مجدد بین کشور ما و سایر کشورها نیز نقش بازی می‌کنند.

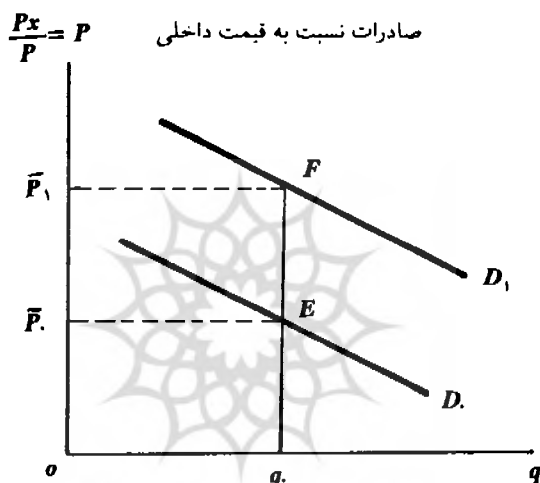
در مقابل در کشور ما تغییر ساختار صادرات کالاهای غیرنفتی، دقیقاً در جهت مخالف حرکتی است که کشورهای پیشرفته صنعتی به دنبال آن هستند به طوری که در برنامه اول توسعه در عمل نیز بدان تاکید شده است به طوری که صادرات کالاهای واسطه‌ای بخش خدمات به صفر رسید و در مقابل واردات کالاهای واسطه‌ای این بخش به شدت افزایش یافت!

صادرات کالاهای غیرنفتی بر حسب کشورهای مقصد

در این صورت وجود واسطه بین صادرکننده و مصرف کننده نهایی کشش تقاضای خارجی را برابری محصول کشور ما کاهش می دهد که با کاهش کشش تقاضای محصولات صادراتی، درآمد حاصل از فروش آن نیز کاهش خواهد یافت. برای روشن شدن این مطلب لازم است به

کمک شکل (۱) تأثیر وجود صادرکننده مجدد بین تولیدکننده و مصرف کننده نهایی روی کشش تقاضای خارجی را برای محصول صادراتی ما و درآمد حاصله از فروش کالا مورد بررسی قرار گیرد.

شکل شماره ۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در صورتی که بین صادرکننده و مصرف کننده نهایی، صادرکننده مجدد وجود داشته باشد، در آن صورت صادرکننده با منحنی تقاضای واسطه و دلالت مواجه می شود که در شکل (۱) با D نشان داده شده است. در این صورت اگر صادرکننده به میزان q کالا صادر کند در آن صورت به میزان

$OP \cdot 0 Eq$ درآمد به دست می آورد. در حالی که کشورهای طرف تجاری ایران که همانند واسطه و دلالت بین صادرکننده و مصرف کننده نهایی عمل می کنند، با منحنی تقاضای $D1$ که بالاتر از منحنی D است مواجه هستند که در این صورت کالای صادراتی q به قیمت q_1 به فروش می رسد و به میزان

OP, Fq در آمده به دست می آید که از این درآمد تنها به اندازه $OP \ 0 \ Eq$ عاید صادرکننده کالا و به اندازه $P.P, FE$ عاید واسطه بین صادرکننده و مصرف کننده نهایی کالای صادراتی می شود. در این صورت اگر کشور ما بتواند بدون واسطه یا با حداقل واسطه، کالاهای صادراتی را

به مصرف کننده نهایی برساند در آن صورت درآمد ارزی حاصل، از همان مقدار کالای صادر شده بیشتر خواهد شد. در شکل مذکور افزایش درآمد به وسیله مساحت مستطیل $P \ 0 \ EF, P$ نشان داده شده است.

جدول (A): ارزش صادرات (بدون نفت و گاز) بر حسب کشورهای مقصد به قیمت جاری

(میلیون ریال)

کشور و منطقه	۱۳۵۵	۱۳۶۰	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
جمع	۳۸۰۰۱	۲۷۰۲۹	۷۰۱۱۷	۸۱۱۰۷	۷۱۴۷۲	۷۲۷۳۶	۸۷۲۴۵	۱۷۷۹۷۸
آسیا	۱۰۵۹۳	۴۲۳۱	۲۰۰۷۲	۱۷۷۷۳	۱۶۸۹۷	۲۰۰۸۱	۲۸۰۹۵	۶۸۱۹۳
امارات متحده عربی	۱۶۴۵	۳۲۴	۱۲۵۰۸	۱۰۸۳۴	۱۰۰۶۳	۱۰۲۷۹	۱۰۱۴۱	۲۶۱۷۲
پاکستان	۵۳	۸۷	۳۵۶۳	۲۹۰	۲۱۱	۱۰۰	۴۶۲	۱۷۶۹
ترکیه	۱	۸۱	۴۶۸	۷۱۸	۲۳۳	۳۹۴	۷۰۵۸	۲۱۶۰۹
ژاپن	۱۲۶۴	۹۵	۹۸۴	۲۲۲۸	۲۵۴۸	۳۷۸۹	۳۴۶۳	۴۶۱۳
سایر کشورهای آسیا	۷۶۲۹	۳۶۴۴	۲۵۳۹	۳۷۰۳	۳۸۴۱	۵۵۱۹	۶۹۷۱	۱۴۰۳۰
آفریقا	۱۲۸۹	۷۱	۹۸۶	۷۰۳	۱۳۹۰	۱۸۰۵	۵۸۴	۱۰۳۶
آمریکا	۲۵۶۴	۱۱۶۱	۵۳۵۱	۳۵۹۴	۱۰۳۳	۹۸۸	۹۲۴	۲۴۵۳
اروپا	۱۷۷۴۷	۱۸۳۳۲	۴۱۸۶۲	۵۱۴۸۱	۴۷۶۰۱	۴۹۹۶۵	۵۵۷۱۳	۱۰۱۹۲۱
آلمان غربی	۶۰۷۸	۸۶۱۷	۲۱۶۸۴	۲۴۸۶۸	۱۹۹۶۱	۲۵۷۱۵	۲۶۵۸۱	۵۱۳۳۸
ایتالیا	۲۳۲۹	۳۶۸۲	۵۲۶۹	۸۱۰۳	۷۳۷۲	۹۶۱۹	۱۰۵۶۹	۱۴۱۷۴
سوئیس	۵۲۲	۲۰۹۳	۴۲۲۶	۶۵۷۷	۵۳۶۹	۵۷۴۸	۷۰۵۵	۱۲۸۸۸
سایر کشورهای اروپا	۸۸۱۸	۳۹۴۰	۱۰۶۶۳	۱۱۹۳۶	۱۴۸۹۷	۸۸۸۳	۱۱۵۰۸	۳۳۵۲۱
اتحاد جماهیر شوروی سابق	۵۵۸۵	۳۱۶۹	۱۶۸۳	۶۳۵۱	۴۳۹۶	۱۶۳۶	۱۷۹۰	۳۹۹۲
اقیانوسیه	۲۲۳	۶۴	۶۳	۲۰۴	۱۵۶	۲۶۱	۱۳۹	۳۸۳

آمار براساس تغییرات جدید در مآخذ ارائه شده است.

مآخذ: مرکز آمار ایران. سالنامه آماری ۱۳۷۰، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱، ص ۴۵۶.

زمینه بازرگانی خارجی حاصل خواهد شد یا خیر؟

آینده‌نگری در مورد بازار جهانی کالاها و خدمات و پیش‌بینی رفتار مصرف‌کنندگان کالاهای صادراتی کشور و محاسبه حساسیت تقاضاکنندگان کالاهای صادراتی در قبال تغییرات قیمت کالاها و درآمد مصرف‌کنندگان و تصمیم‌گیری براساس اطلاعات مذکور در جهت هدایت امکانات و نهاده‌ها در تولید کالاهای صادراتی که در سالهای متمادی آتی یا مشکل تقاضای خارجی مواجه نشوند، نقش عمده‌ای در موفقیت سیاست بازرگانی کشور خواهد داشت.

متأسفانه در کشور ما تغییر ساختار صادرات کالاهای غیرنفتی به سمت و سویی سوق پیدا کرده که متفاوت از مسیر حرکت غالب کشورهای پیشرفته و موفق در زمینه صادرات است. به طوری که ترکیب کالاهای صادراتی کشور به تفکیک کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای برخلاف ترکیب کالاهای وارداتی در جهت افزایش سهم کالاهای مصرفی در حال شکل‌گیری است و همچنین با نگاهی به اقلام عمده کالاهای صادراتی غیرنفتی کشور مشاهده می‌شود که مهمترین اقلام عمده کالاهای صادراتی کشور شامل کالاهای کشاورزی و سنتی است که از ویژگیهای بارز این‌گونه کالاها پایین بودن کشش درآمدی و قیمتی تقاضا برای آنهاست که این مسئله (پایین بودن کشش) به منزله اختار مکانیسم بازار تلقی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود منحنی تقاضای D_1 دارای کشش بیشتری نسبت به منحنی تقاضای D_0 است؛ زیرا کشش تقاضای صادرکننده‌ای که با واسطه مواجه است، برابر است با $eD_0 = \left(\frac{\Delta q}{\Delta p}\right) \cdot \frac{P_1}{q}$ ولی کشش تقاضای مصرف‌کننده نهایی برابر $eD_1 = \frac{\Delta q}{\Delta p} \cdot \frac{P_1}{q}$ است و از آنجا که $p_1 > p_0$ است، لذا $eD_1 > eD_0$ خواهد بود.

صادرات بخش خدمات (برخلاف بخش کشاورزی و صنعت و معدن) استفاده از منابع تجدید شدنی جهت تولید کالاهای واسطه‌ای است که در این صورت کشور بدون اینکه تنها از منابع طبیعی استفاده چندانی ببرد، نیازهای ارزی خود را تأمین می‌کند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که به منظور کسب درآمد ارزی از طریق صدور کالاهای غیرنفتی نباید تنها به صدور مقادیر بیشتر کالا اکتفا کرد بلکه اتخاذ سیاست مناسب بازرگانی که موجب کاهش و یا حذف واسطه‌های بین صادرکنندگان و مصرف‌کنندگان نهایی شود درآمد ارزی حاصل از صادرات، می‌تواند مقدار معینی از کالاهای غیرنفتی کشور را افزایش دهد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

پس از تبیین ساختار اقتصادی صادرات کالاهای غیرنفتی کشور و تغییرات آن می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا با چنین ساختار صادراتی در آینده توفیقی در

می‌شود به طوری که به مرور زمان عوامل تولید از فعالیتهایی که کالاهای کم‌کشش تولید می‌کنند خارج و به فعالیتهایی که کالاهای پرکشش تولید می‌کنند منتقل می‌شود. (توجه به این نکته لازم است که اگر کالایی از لحاظ قیمتی بی‌کشش باشد در آن صورت افزایش حجم صادرات آن کالا منجر به کاهش درآمد ارزی خواهد شد و در مقابل اگر کالایی از کشش قیمتی بیشتر از واحد برخوردار باشد در آن صورت افزایش حجم صادرات آن کالا، درآمد ارزی ناشی از صدور کالا را افزایش خواهد داد).

بدین ترتیب یکی از ویژگیهای بازار کالاهای مصرفی صادراتی کشور، کم‌کشش بودن آن در مقابل تغییرات قیمت و درآمد است که در این صورت باید ترکیب صادرات کالاهای غیرنفتی کشور در جهت صدور کالاهای پرکشش (از لحاظ قیمتی و درآمدی) تغییر کند.

متأسفانه آمار و ارقام نشان می‌دهد که به مرور زمان ترکیب صادرات کالاهای غیرنفتی کشور به نفع کشورهای پیشرفته و در حال تغییر است به طوری که واردات کشور ما شامل کالاهایی است که از کشش (قیمتی و درآمدی) بالایی برخوردار است و در مقابل کالاهای صادراتی کشور از کشش کمتری نسبت به کالاهای وارداتی برخوردار است.

همچنین از آمار و ارقام ارائه شده درمی‌یابیم که کشور ما به مرور زمان بازار

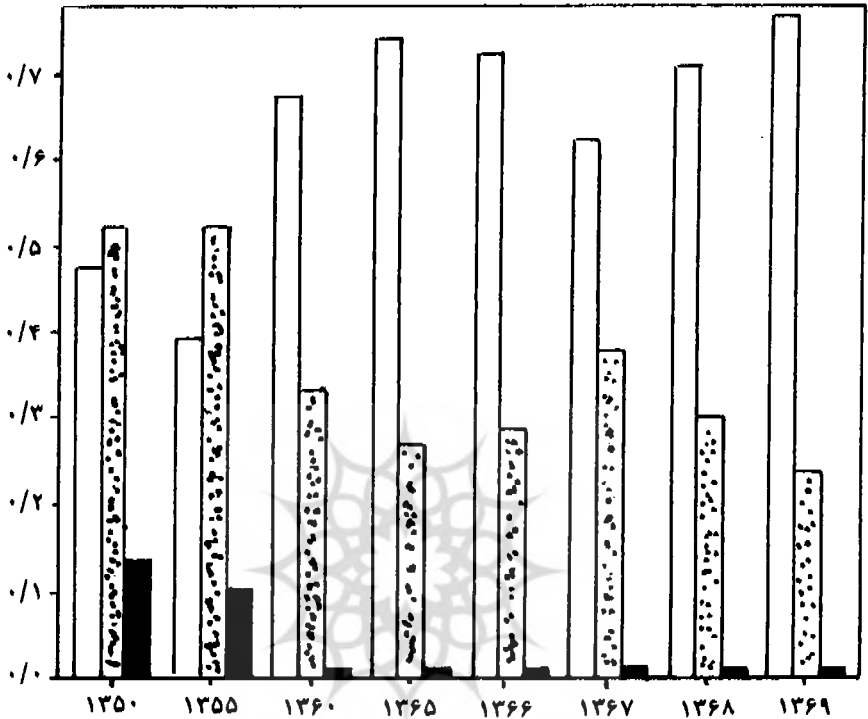
صادراتی کالاهایی را از دست می‌دهد که سایر کشورهای پیشرفته و موفق در زمینه صادرات در بدست آوردن آن بازار تلاش می‌کنند (بازار عرضه بخش خدمات) و در مقابل به مرور بازار صادراتی کالاهایی را به دست می‌آوریم که سایر کشورهای پیشرفته تلاش زیادی در جهت حفظ آن بازار ندارند (بازار فروش منابع طبیعی تجدیدناپذیر).

نه تنها ساختار اقتصادی صادرات کشور به مرور زمان در جهت رفع مشکلات مذکور تغییر نکرده بلکه با تمرکز طرفهای تجاری و تمرکز کالاهای صادراتی (تمرکز کالایی و طرفهای تجاری منجر به کاهش کشش قیمتی کالاها خواهد شد) به مشکلات فوق افزوده شده است

متأسفانه نه تنها ساختار اقتصادی صادرات کشور به مرور زمان در جهت رفع مشکلات مذکور تغییر نکرده بلکه با تمرکز طرفهای تجاری و تمرکز کالاهای صادراتی (تمرکز کالایی و طرفهای تجاری منجر به کاهش کشش قیمتی کالاها خواهد شد) به مشکلات فوق افزوده شده است.

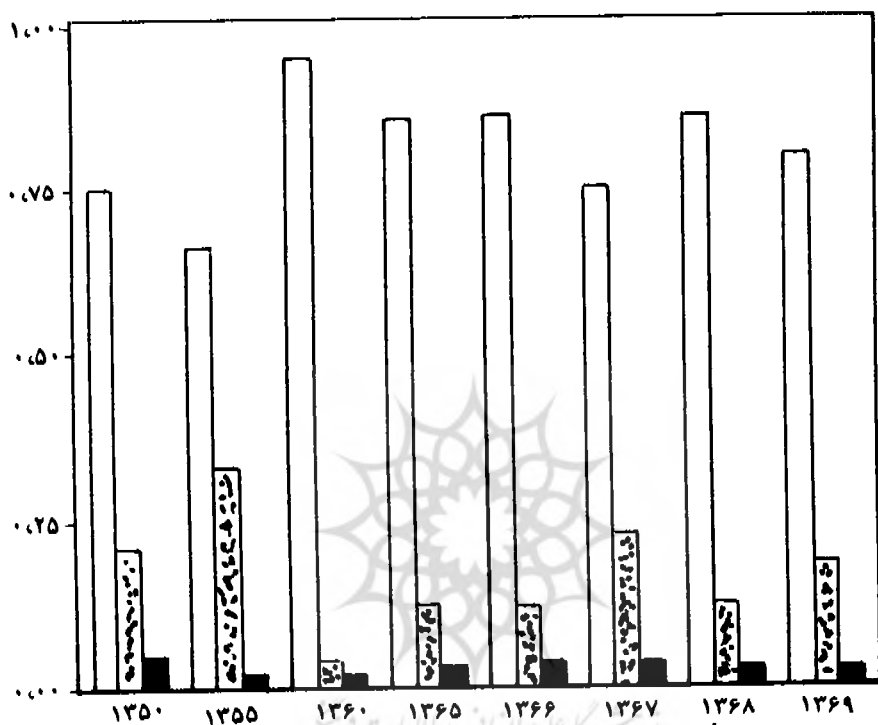
خلاصه کلام اینکه به منظور توفیق در امر صادرات در کنار سیاست تشویق صادرات کالاهای غیرنفتی، باید در جهت تغییر و اصلاح ساختار اقتصادی صادرات کالاهای غیرنفتی کشور نیز گام برداشت.

نمودار (۳): نمودار نسبت صادرات کالاهاى مصرفى، واسطه‌اى و سرمايه‌اى به كل صادرات غيرنفتى



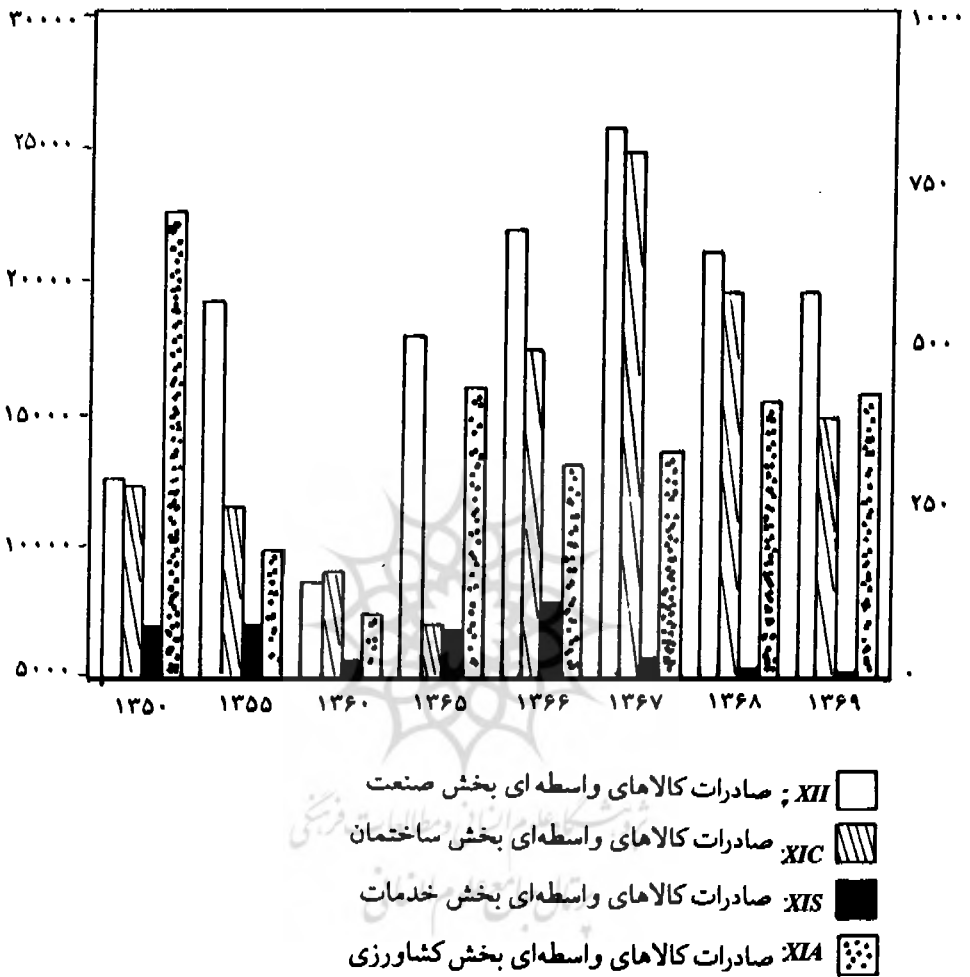
XCBXNO: صادرات كالاهاى مصرفى به كل صادرات غيرنفتى
 XIBXNO: صادرات كالاهاى واسطه‌اى به كل صادرات غيرنفتى
 XKBXNO: صادرات كالاهاى سرمايه‌اى به كل صادرات غيرنفتى

نمودار (۴): نمودار نسبت صادرات کالاهاى سنتى و کشاورزى، کلوخه هاى کانى فلزى و صنعتى به کل صادرات غیرنفتى



XAGBXN: صادرات کالاهاى سنتى و کشاورزى به کل صادرات غیرنفتى
 XINBXN: صادرات کالاهاى صنعتى به کل صادرات غیرنفتى
 XPEBXN: صادرات کلوخه هاى کانى فلزى به کل صادرات غیرنفتى

نمودار (۵): صادرات کالاهای واسطه‌ای به تفکیک بخشهای صنعت، ساختمان، کشاورزی و خدمات



فهرست منابع و مأخذ:

الف) منابع فارسی

- ۱ - اخوی، احمد. تجارت بین‌الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۳
- ۲ - بانک مرکزی ایران. گزارش اقتصادی سالهای مختلف
- ۳ - سازمان برنامه و بودجه، پیوست لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۷ - ۱۳۷۳، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، چاپ دوم. اردیبهشت ۱۳۷۳.
- ۴ - طائی، علی اصغر، "گات سازمانی برای انتظام بازرگانی خارجی"، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، (بهار ۱۳۷۳)، ص ۱۱۵.
- ۵ - علی رازینی، ابراهیم، "اندازه‌گیری و تحلیل ثبات در صادرات کشور"، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۸۲، (اسفند ۱۳۷۲).
- ۶ - کمیجانی، اکبر و بیدآباد بیژن، "سیاستهای تشویقی صادرات غیرنفتی و تأثیر آن"، مجله اقتصادی، (اردیبهشت ۱۳۷۲).
- ۷ - مرکز آمار ایران. سالنامه آماری ۱۳۷۰ - ۱۳۶۹.
- ۸ - مهرگان، نادر، "افزایش قیمت ارز و کاهش ارزش واقعی سرمایه تولیدکنندگان"، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، (مرداد ۱۳۷۳).
- ۹ - مهرگان، نادر، "بررسی تغییر و تحولات تشکیل سرمایه در کشور"، زمینه، شماره ۲۳، (خرداد ۱۳۷۲).
- ۱۰ - نادری، ابوالقاسم و دیگران، بررسی مسایل و مشکلات صادرات غیرنفتی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۹
- ۱۱ - وهابی، بهرام، "روشهای بررسی جریانهای دو طرفه تجاری"، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۷۸، (آبان ماه ۱۳۷۲)

ب) منابع انگلیسی

I - Dahi C. & W. Hammand. Market and Price Analysis the Agricultural Industries. 1977.

- (۱) نادر مهرگان، «بررسی تغییر و تحولات تشکیل سرمایه در کشور» زمینه، شماره ۲۳، (خرداد ۱۳۷۲)
- (۲) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۸.
- (۳) نادر مهرگان، «افزایش قیمت ارز و کاهش حجم واقعی سرمایه تولیدکنندگان»، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، (مرداد ۱۳۷۳)
- (۴) برای آشنایی ر.ک.
- *Dahi C. & Hammond W. - Market and Price Analysis The Agricultural Industries - 1977 - P.P. 63 - 87*
- (۵) احمد اخوی، تجارت بین الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۳)، ص ۲۲۹.
- (۶) به بیوست لایحه برنامه دوم، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۷ - ۱۳۷۳، (تهران: ۱۳۷۳)، ص ۱ - ۱۶
- (۷) همان، ص ۰ - ۳۰
- (۸) مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۶۹، ص ۴۰۸
- (۹) ر.ک. علی اصغر طائی، «گات سازمانی برای انتظام بازرگانی خارجی»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ص ۲۱ ص ۱۱۵
- (۱۰) ابراهیم علی رازینی، «اندازه گیری و تحلیل ثبات در صادرات کشور»، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۸۲، اسفند ۱۳۷۲ ص ۲۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی